

کودکان پس از صلح بازماندگان همچنان قربانی

سروزناز احمدی

مددکار اجتماعی

در نهم اکتبر ۲۰۲۵، پس از نزدیک به دو سال درگیری خونین، جهان شاهد اعلام توافقی برای پایان جنگ در نوار غزه بود. رسانه‌ها از «آتش‌بس» و «پایان جنگ» سخن گفتند، اما روی زمین و برای کودکان غزه، این پایان ماجرا نیست. این صلح نیم‌بند، تنها فصل جدیدی از رنج است؛ رنجی که برای ده‌ها هزار کودک بازمانده، به اشکال دیگر ادامه دارد. آنان اکنون باید با واقعیتی تلخ دست‌وپنجه نرم کنند؛ واقعیت زندگی در میان ویرانه‌ها، هم در شهرهایشان و هم در وجودشان. جنگ غزه با اعدادی هولناک در تاریخ ثبت خواهد شد که هر کدام روایتی از درد هستند. براساس آمارهای منتشرشده، در طول این درگیری حدود ۲۰ هزار کودک کشته شدند. این رقم باورنکردنی، تنها بخشی از ماجراست. بر پایه گزارش دفتر اطلاع‌رسانی دولتی در غزه، از این تعداد، هزار و ۱۵ نفر نوزادان زیر یک‌سال بودند. این کودکان نه‌تنها جان خود را از دست دادند که خانواده‌هایشان را نیز داغدار کردند. ازسوی دیگر ۵۶ هزار و ۳۴۸ کودک، یک یا هر دو والدین خود را از دست داده‌اند و به کودکان بی‌سرپرستی تبدیل شده‌اند که بار سنگین زندگی‌پس از جنگ را باید به‌تنهایی به دوش بکشند.

این توافق با وجود اهمیت‌اش، از همان ابتدا با چالش‌های سیاسی عمیقی روبه‌رو بوده است. ازیک‌سو، اسرائیل با مخالفت‌های داخلی مواجه است؛ وزیران راست‌گرای افراطی مانند «ایتامر بن‌گوثر» آشکارا با این توافق مخالفت کرده و حتی آن را «بسیار پرهزینه» خوانده و ساقط‌شدن دولت را هشدار داده‌اند. این شکاف سیاسی داخلی، اجرای کامل و بی‌درسر مفاد توافق را با تردید جدی مواجه می‌کند. ازسوی دیگر، این توافق در بستری از بی‌اعتمادی عمیق و روی کوهی از ویرانه و خشم منعقد شده است. بسیاری از فلسطینیان با توجه به تجربیات گذشته، به دوام و اثربخشی واقعی آن بدبین هستند. این فقدان قطعیت سیاسی باعث‌شده است که این صلح بیشتر به یک آتش‌بس موقت شبیه باشد تا راه‌حلی پایدار برای پایان رنج مردم، به‌ویژه کودکان.

کودکان بازمانده، نه‌در شهری معمولی، که در محیطی کاملاً غیرعادی زندگی می‌کنند که فاقد اساسی‌ترین نیازهای یک زندگی سالم است. سیستم بهداشت و درمان تخریب شده است. بسیاری از بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها در طول جنگ به‌طور کامل یا جزئی ویران شده‌اند. این امر دسترسی به مراقبت‌های پزشکی اولیه، واکسیناسیون، درمان سوءتغذیه و مراقبت‌های ویژه برای کودکان مبتلا به بیماری‌های مزمن را تقریباً ناممکن کرده است. شیوع بیماری‌های مُسری در چنین شرایطی هم به تهدیدی جدی تبدیل شده است. نظام آموزشی هم نابود شده است. هزاران مدرسه در سراسر نوار غزه تخریب شده یا آسیب دیده‌اند. این محرومیت از تحصیل، نه‌تنها آینده حرفه‌ای کودکان را به‌خطر می‌اندازد، بلکه آنان را از محیط امن و ساختاریافته مدرسه و فرصت بازی و تعامل با همسالان محروم می‌کند. اما جنگ برای کودکان غزه، تنها خرابی ساختمان‌ها نبود؛ بلکه ویرانی درونی و عمیقی را در وجود هر کودک بر جای گذاشته است. آسیب‌های عمیق واردشده بر روان کودکان، همین که سیاستمداران توافق کنند، ترمیم‌نمی‌شوند. این کودکان در طول این دو سال، خشونت شدید، مرگ عزیزان، بمباران و جابه‌جایی اجباری را تجربه کرده‌اند. بسیاری از آنان از اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، اضطراب شدید، افسردگی، شب‌آلوداری و کابوس‌های مداوم رنج می‌برند. این زخم‌های نامرئی، اگر به مداخلات روانی گسترده درمان نشوند، می‌توانند بر کل زندگی آینده آنان سایه‌پاندانند.

در این میان، یه‌سوءتغذیه و پیامدهای جبران‌ناپذیر آن هم توجه داشت. محاصره و ویرانی اقتصاد محلی، منجر به قحطی گسترده و سوءتغذیه حاد در میان کودکان شده است. سازمان‌های امدادی بارها هشدار داده‌اند که ده‌ها هزار کودک با گرسنگی شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. سوءتغذیه در سال‌های حساس رشد، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری بر رشد جسمی و شناختی کودکان داشته باشد و آنان را برای همیشه از رسیدن به ظرفیت کامل خود محروم کند.

صلحی که امروز از آن سخن می‌گوییم، اگرچه گامی ضروری است اما برای کودکان غزه، نقطه پایان نیست. آنان بازماندگانی‌اند که در میدانی مملو از خاطرات دردناک، فقدان و ویرانی، رها شده‌اند. بدون تلاش بین‌المللی جدی و هماهنگ برای بازسازی فیزیکی غزه، بازسازی نظام سلامت و آموزش و مهم‌تر از همه، ارائه مراقبت‌های روانی گسترده برای التیام زخم‌های این نسل، این کودکان همچنان قربانیان خاموش این درگیری خواهند ماند. جامعه جهانی نباید اجازه دهد که این صلح نیم‌بند، به فراموشی رنج ادامه‌دار آنان بینجامد. آینده فلسطین به کودکانی بستگی دارد که امروز باید حق خود بر داشتن کودکی عادی و آینده سالم را پس بگیرند.



گزارشی درباره آثار اجتماعی و روانی دو سال جنگ و محاصره بر مردم غزه و توافق صلح میان حماس و اسرائیل

امید به زندگی در سرزمین سوخته

خبرنگاران محلی در غزه به «هم‌میهن» می‌گویند مردم با امید به روزهای آرام چشم به آینده دوخته‌اند

بازسازی شود، اما برآوردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که هزینه مورد نیاز برای بازسازی نوار غزه بین ۵۰ تا ۸۰ میلیارد دلار است و سال‌ها طول خواهد کشید تا غزه، دوباره غزه شود.

حُسنه، خبرنگاری که در دل غزه زندگی می‌کند، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از شادی‌اش می‌گوید: شادی از اینکه سایه اندوه و جنگ آرام‌آرام از شهرش کنار می‌رود. اومی گوید دو روز گذشته آن قدر خوشحال بوده که بی‌اختیار با خودش می‌خندد. حسینه امیدوار است این نسل کشی تلخ، سرانجام به خیر و صلحی پایدار ختم شود تا مردم غزه دوباره طعم آرامش و اطمینان را بچشند. او از همدلی مردم ایران و دیگر نقاط جهان یاد می‌کند و می‌گوید، توجه و همراهی آنان در تمام دو سال گذشته، برای او و مردم غزه همچون نوری در دل تاریکی بوده است. در پایان، او پیامی برای شهرش می‌فرستد: «زنده‌باد روح‌ت ای غزه، زنده‌باد هر انسانی که تو را دوست دارد.»

«مصطفی»، دیگر خبرنگار ساکن غزه هم به «هم‌میهن» می‌گوید که احساس‌اش هنگام شنیدن خبر امضای توافق صلح با اسرائیل واقعی نبوده و تاثیری را که خبر صلح قبلی بر او گذاشته بود، این‌بار نگذاشته است. او به بازسازی غزه و وعده‌های غربی‌ها اُتق‌در بی‌اعتماد است که می‌گوید، باور ندارد جامعه بین‌المللی فشار واقعی بر اسرائیل برای بازسازی وارد کند: «آن‌ها حتی نتوانستند نسل‌کشی را متوقف کنند یا جلوی کشتارها را بگیرند، پس بعید می‌دانم اقدام معناداری برای بازسازی انجام دهند. نمی‌خواهم زیاده‌برابر این دو سال نسل‌کشی صحبت کنم، جز اینکه بگویم: شکر خدا که تمام شد. اکنون مرحله‌ای تازه آغاز می‌شود؛ تلاشی برای بازسازی خودمان، اگر بتوانیم.»

امیدوار به پایان جنگ، بی‌اعتماد به صلح

حالا قرار شده صلح شود و همه چیز از نو ساخته؛ بسیاری از مردم غزه حالا از پایان جنگ خوشحالند اما همچنان با ترس از آینده وی‌بی‌اعتمادی به قول‌های بازسازی غربی این شهر؛ «مصطفی»، خبرنگار ساکن غزه به «هم‌میهن» می‌گوید که درباره بازسازی غزه انتظار بالایی ندارد چون اسرائیل از پرورنده بازسازی به‌عنوان ابزاری برای باج‌گیری سیاسی استفاده خواهد کرد، همان‌طور که در هر جنگ قبلی انجام داده است.» او می‌گوید هرکس گزارش‌های بین‌المللی درباره بازسازی را بخواند، دچار ترس می‌شود: «یکی از این



عکس: Getty Images

دو سال جنگ که طولانی‌تر از هر درگیری دیگر اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تاکنون بوده، بیش از ۶۷ هزار کشته و ۱۶۸ هزار زخمی روی دست غزه گذاشته؛ شهری که ۹۲ درصد خانه‌هایش ویران شده و ۹۵ درصد مردم‌اش آواره‌اند. کودکان بدون مدرسه، بیمارستان‌های نیمه‌سوخته، مادرانی که با یک وعده غذا، روز را شب می‌کنند تا فرزندانشان سیر شوند و زمینی که دیگر حتی نمی‌توان در آن کشت‌وکار کرد؛ تصویری از ویرانی نوار غزه است. هنوز احتمال می‌رود بسیاری از اجساد زیر آوارهای گسترده پنهان مانده باشند. شمار کسانی که به‌دلیل بیماری‌های درمان‌نشده، سوءتغذیه، خودکشی یا دیگر علل غیرمستقیم مرتبط با جنگ، جان داده‌اند هم قابل توجه است؛ هزاران نفر بر اثر انفجارها، ناپدید، گم، سوخته یا نکهت‌ک‌شده‌اند یا در بازداشتگاه‌های مخفی اسرائیل‌زندانی‌اند.

حالا قرار است صلح بیاید، اسرای هر دو طرف آزاد شوند، بیشتر نیروهای زمینی اسرائیل پای‌شان را ازغزه بیرون ببرند و غزه از نو

مردم در چادرهایشان، چشم‌هایشان را تازه بر هم گذاشته بودند که خبر «صلح» در شهر پیچید؛ پس از خوابی کوتاه، پر از اضطراب،

شبیه همه خواب‌های از دو سال پیش. حالا خبر رسیده بود که نیروهای اسرائیلی قرار است از ویرانه‌هایی که بر جای گذاشته‌اند عقب بکشند، قرار است «صلح» شود، بهار بیاید، بچه‌ها دوباره به مدرسه بروند، غذا به اندازه کافی باشد، آدم‌ها دیگر از قحطی نمیرند و شاید فرصتی دست بدهد که مردم دوباره بختند. عده‌ای از زنان در چادرهای خاک‌گرفته فقط سرشان را بلند کردند و بی‌صدا به هم نگاه می‌کردند: مردی که همین چندوقت پیش پسرش را زیر آوار پیدا کرده بود، می‌گفت: «صلح؟ یعنی ما هنوز زنده‌ایم؟» کودکان می‌خندیدند، می‌رقصیدند و هلهله می‌کردند. این روایت خبرنگاران ساکن غزه است که در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از لحظه شنیدن خبر انعقاد صلح میان حماس و اسرائیل می‌گویند: خبرنگارانی که خودشان در این دو سال، فقدان و مرگ را بارها تجربه و روایت کرده‌اند و حالا با وجود تردید نسبت به قرارداد صلح، خوشحال و امیدوارند.

الهه محمدی

خبرنگار گروه جامعه

مراقبت از سلامت مردم اولویت مهم در غزه

گرسنه، زخمی، بیمار و بی‌خانمان. قطعاً غزه یکی از سخت‌ترین دوره‌های پس از جنگ را در دوره معاصر پیش‌رو دارد. با فرض اینکه خطر جنگ واقعاً رفع شده باشد، برای ساختن نظام سلامت، مهمترین اولویت؛ فراهم کردن نیازهای اولیه مثل غذا، آب و درمان مشکلات حاد سلامت مانند سوءتغذیه، کنترل بیماری‌های واگیر و حاد است. همچنین گروه‌های پرخطر مثل کودکان، زنان باردار، سالمندان و مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای باید در اولویت بررسی قرار گیرند. بدیهی است که احداث مراکز اورژانس و مراقبت‌های اولیه در اولویت هستند. پس از آن لازم است که مراقبت‌های تخصصی فراهم شود، برنامه‌های پیشگیرانه مثل واکسیناسیون و غربالگری بیماری‌های مزمن و بیماری‌های روانی در دستور کار قرار گیرد. باید توجه داشت که مشکل بزرگ مردم غزه، غیر از صدمات جسمی و روانی مستقیم ناشی از جنگ -متوقف‌شدن خدمات درمانی و پزشکی در دو سال گذشته بوده است. یعنی عملاً امکان رسیدگی به انواع بیماری‌های مزمن

سیمین کاظمی

پژشک و جامعه‌شناس

جامعه غزه در حال حاضر با یک ویرانی تمام‌عیار مواجه شده و تقریباً تمام امکانات اولیه حیات در آنجا نابود شده است. جنگ غزه، یک جنگ عادی نبوده است؛ هم‌زمان اشغال، ویرانگری و نسل‌کشی رخ داده است. اسرائیل به‌نام جست‌وجوی افراد حماس، تمام زیرساخت‌های بهداشتی این ملت را نابود کرده. رژیم اسرائیل در یک بدعت‌گذاری بی‌سابقه تمایز بین مراکز نظامی و غیرنظامی را بی‌اعتبار کرد و به بیمارستان، مدرسه، مهدکودک، خانه و همه امکانات غیرنظامیان هجوم برد. همه‌چیز باید از اول ساخته شود؛ بر یک سرزمین سوخته و ویران شده و مردمی

وصل بودن به زندگی در کلام «احرارِ عالم»

و شاید برای کنشگران و تحلیلگرانی که قلب‌شان با فلسطین است اما «خارج» از آن هستند، خبر نگران‌کننده است و نمی‌توانند به آن اعتماد کنند. ما در تاریکی نگران ده‌ها هزار جان از دست‌رفته، نگران ده‌ها هزار جان زیر آوار، نگران هزار اسیر باقی‌مانده، نگران قحطی، بیماران، خیمه‌ها و آینده نامعلوم تداوم نسل‌کشی هستیم و ماشین جنگی‌ای که برای کنترل و محو کردن غزه و مردم‌اش نقشه دارد و کلمه کلیدی که استثمار و تصاحب کرده «صلح» است.

کلمات کلیدی در ساعت‌های منتهی و بعد از رخداد‌های مهم سیاسی کم نیستند، همه معنا دارند و گفتمان‌هایی را می‌سازند که باهم می‌جنگند، توجیه می‌کنند، برنده می‌شوند و سوبیه می‌سازند. بیشتر این کلمات در خدمت قدرت‌هایی می‌نشینند که حتی مذاکرات را به‌جای زمین، در سپهر مجازی پیش می‌برند و سربازان‌شان دکمه بمباران شدن یک خانه، یک محله و یک شهر را روی سیستم‌های هوش مصنوعی‌شان فشار می‌دهند و به آن افتخار می‌کنند. «جنگ»، «کمک

بشردوستانه»، «گرسنگی» در برابر «آپارتاید»، «نسل‌کشی» و «قحطی». اما هر سوبی که باشیم، انگار همه مراقبیم، مراقبیم که چه کلماتی را به کار می‌بریم، یا کلمات کدام سمت را به کار می‌بریم، مراقبیم که خوشحال باشیم یا ناراحت، نگران یا امیدوار... نگران و محتاط. محتاط از موضع‌مان، کلمات‌مان و تبعاتش برای زندگی‌های شخصی‌مان.

نه‌فقط دیروز، بلکه هرروز باید به این فکر کنیم که چطور کلام و رفتار اهالی غزه و دیگر فلسطینیان می‌تواند ما را از تمام این بندها آزاد کند. کلام فلسطین به ارض یا زمین متصل است. بودگی‌اش حقیقت است و یاد گرفته است در تداوم و تقاطع تمام ستم‌ها، برای زندگی روی زمین مبارزه کند. بخندد، برقصد، دعا کند، خشم بورزد، پیش برود، پس بگیرد و از مرگ، زندگی برویاند.

کافی است مقایسه کنیم ادبیات سیاستمداران و رسانه‌ها را در اینکه «آتش‌بس» غزه به‌لطف چه کسانی محقق شده و چه کسی شایسته تقدیر و جایزه است؟ کدام رئیس‌جمهور از کدام کشور غربی یا غربی از آتش‌بس حمایت کرده و چه گفته، اما شهروندان غزه، امدادگران، خبرنگاران، معلمان اردوگاه‌ها و... اسم هیچ فردی را نمی‌آورند. در تمام ویدئوهایی که از روزر پیش منتشر شده است، می‌گویند به‌فضل و حمد الهی، به قدرت و صبر جماعت و به‌یاد رفقای شهیدشان. آنها دوست دارند باور



شیم‌ا وزوابی

پژوهشگر ارتباطات

خبر رسیدن به «آتش‌بس» را در تاریکی شب، کمی قبل از سحر در غزه اعلام می‌کنند. درست شبیه اعلام «آتش‌بس» اخیر در جنگ اسرائیل علیه ایران، مردم باید منتظر بمانند تا مردانی قدرتمند در غرب دنیا، ساعات کاری راحت‌شان تغییر نکند و برای زندگی و مرگ صدها هزار انسان تصمیم بگیرند اما چه کسی است که نداند روشن‌ترین طلوع‌ها تنها لحظاتی بعد از تاریک‌ترین ساعات شب از افق دریا بالا می‌آیند؟

برای ما آدم‌هایی که دسترسی به اینترنت و کمی دانش رسانه و سیاست داریم